

اعتراض ده‌نمکی به تعلل در عنوان شهید خدمت برای همکارانش

مسعودده‌نمکی در سالگرد حادثه انفجار سال ۱۳۹۲ در پشت صحنه فیلم و سریال «معراجی‌ها» که به جان باختن پنج نفر منجر شد، یادداشتی منتشر کرد و به تعلل در اعلام به عنوان شهید خدمت جواد شریفی‌راد و همکارانش اعتراض کرد. در این یادداشت ده‌نمکی بیان کرد: بیش از ۱۰ سال از حادثه پشت صحنه فیلم و سریال معراجی‌ها می‌گذرد و سینمای ما از داشتن همکاریانی چون زنده‌یادان جواد شریفی‌راد، مدیر



زهرا شکراللهی گروه رسانه

گاهی دوربین سراغ آلبوم‌های یادگاری شهدا می‌رود و روایت‌های موزای جدید را جلوه می‌دهد. برای مخاطب امروز که حوصله آب و تاب طولانی را ندارد؛ «چشم و چراغ» لقمه کوچکی است که قبل از شروع خبر ۲۰:۳۰ مخاطب آن را می‌چشد. این چند دقیقه در ضمیر ناخودآگاه مخاطب می‌نشیند. هرجا پرچم ایران را ببیند حس ایستادگی، مرز و ناموس را لمس می‌کند. اگر یکی از مسئولیت‌های رسانه را نشان دادن زندگی مردم کوچه و بازار، رشادت‌ها، ایثار و وطن‌دوستی بدانیم این برنامه حول محور اتحاد و همبستگی به خوبی عمل می‌کند.

خانواده‌های شهدایی که شاید زمان جوش و خروش جنگ فرصتی برای ابراز اندوه و عزاداری نیافتند؛ اکنون مرحله درد مشترک و سوگ را به خوبی در حال گذران هستند. خانواده‌هایی که گاهی هنوز در انتظار یک خبر کوچک مانده‌اند.

مساله مرز و ایرانیان

چشم و چراغ که به جنبه‌های انتظار شهادت می‌پردازد، اسطوره‌ای کهن، به نام اسطوره شهادت و انتظار را دوباره زنده و به روز کرده است. وقتی به داستان سوگ سیاوش در ایران باستان می‌رسیم، می‌بینیم ایرانیان همیشه مساله مرز و ایران را داشتند. همان‌طور که سرداران بزرگی چون سورنا، رستم، بابک خرمدین، آرش کمان‌گیر، یعقوب لیث صفاری و رئیسعلی دلواری و... تا آخرین لحظه برای حفظ سرزمین‌مان ایستادند. چه رزمنده‌هایی که سر دادند تا سردارها، سریلند بمانند.

زمانی که انسان زندگی غارنشینی راترک کرد و به زندگی گروهی پرداخت، حفظ سرزمین و سرحد از جنبه فردی به جنبه گروهی مبدل شد. مرز با تاریخ فرهنگ و تمدن بشر برابر است. انسانی ایرانی که هزاران سال قبل فرزندش را به پیکار و نبرد می‌فرستاد، همین‌طور خرسند، امیدوار و پرافتخار بود. سوال انسان ایرانی مسلمان مدرن امروزی که در بستر تاریخ چند هزار ساله به وجود آمده است که جنگ چرا گریبان ما را رها نمی‌کند با استفاده از حافظه جمعی و هنر جادوانه کردن روایت‌ها شاید پاسخ داده شود.

جلوه‌های ویژه و محمد رنجبر، مدیرعامل خدوم شهرک سینمایی دفاع مقدس و سایر همکاران محروم شده است. نکته تاسف‌بار این است که باوجود درخواست ده‌ها نفر از کارگردانان صاحب‌نام سینمای ایران اما بنیاد شهید آنها را شهید خدمت محسوب نکرد. این درحالی است که در حوادث مشابه سایر مشاغل مانند آتش‌نشانان یا حتی پلیس مبارزه با مواد مخدر و معلمان... با تدبیر درست و اتلاق عنوان

هرروز تعدادی از مادران و پدران شهیدا از بین‌مان

می‌روند و این اهمیت «چشم و چراغ» را بیشتر می‌کند

همچنان استوار



همچنین روایت دیدنی و شنیدنی از جوان ۱۵ ساله که بعد از امتحانات مدرسه راهی آموزش نظامی شد، در حمله والفجر ۸ بعد از عبور از اروند در لباس غواص و ایستادن روی اولین بال خاکریز عراقی به شهادت رسید، مادری که جسورانه، با لحن آرام و استوار راجع به نوجوانش صحبت می‌کند، پدری که بعد از ۴۰ سال از جنگ هنوز سر پا و استوار به فرزندش افتخار می‌کند؛ از این دست روایت‌های موجز هر شب در کام مخاطب می‌نشینند و انسان ایرانی مسلمان صبور و مقاوم را از نوع زن و مرد به ما نشان می‌دهد. عنوان چشم و چراغ که برای این برنامه انتخاب شده، گزینشی خوب و بجاست. چشم مهم‌ترین اعضای بدن انسان است و چراغ در برگزیده معنای خاص نور است. تا نور نباشد چشم نمی‌تواند بصیر و بینا باشد. رابطه این دو در ادبیات تعریف شده است. واژه چشم و چراغ کنایه از عزیز و مهم بودن است.

به بیانی دیگر شهدا را چشم و چراغ خانه، کشور و سرزمین دانسته است. تابلویی که نماد شهدای این زادبوم است. پس‌زمینه و فضای برنامه در ظاهر شهید و شهادت است و نشان‌دهنده راه و روش زندگی شهدا، اما به عمق ولایه‌های درونی اثر که بهتر نگاه کنیم درمی‌یابیم این برنامه به شکسته شدن کلیشه‌ها و شعارهای دور از دسترس که برای شهدا آفریده‌اند، پرداخته است. شهدا باید قابل درک و همذات‌پنداری برای نسل جدید باشد تا فرهنگ ایستادگی و مقاومت زنده بماند. مانند آیه قرآن که خداوند فرموده است: «پیامبری از جنس خودتان به سوی‌تان آمد که از هر رنج و مشقتی که شما می‌برید برای او نیز گران آید.»



راه فرهنگ و رسانه کشور، به‌گونه‌ای دلسوزانه و منطقی به تنگناهای موجود در مسیر فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای پرداخته و برای آن راهکار لازم ارائه کند. به‌نظر می‌رسد که جام‌چم تا اینجای کار و کارنامه یک‌ساله‌اش به عنوان یک برنامه تحلیلی و مطالبه‌گر بسیار خوب عمل کرده‌است و یقیناً با جذب مخاطبان بیشتر، مسیری را طی می‌کند که می‌تواند برای پیشرفت کارهای فرهنگی‌هنری و ارتقای سطح فعالیت رسانه‌ها در چهارچوب و قوانین کشور مفید و موثر باشد. آنچه که می‌توان درخصوص این برنامه بیشتر به آن تاکید و توجه کرد، فرآیند تبیین بسیاری از موضوعات فرهنگی، هنری و رسانه‌ای کشور است که بی‌محابا و با شهامت در جام‌چم مطرح می‌شود و در واقع همین امر موجب می‌شود که مخاطبان از هر قشر، سلیقه و اندیشه سیاسی‌اجتماعی به تماشای آن بنشینند. درواقع می‌توان گفت که این برنامه تابلویی از اندیشه‌هایی است که دوست دارند حرف‌ها و صحبت‌های خود را در این برنامه مطرح کنند، بنابراین آن چیزی که توانسته جام‌چم را از سایر برنامه‌های گفت‌وگو محور و چالشی رسانه‌ملی متمایز کند، حضور چهره‌ها و افرادی با سلیقه‌ها و افکار متفاوت در این برنامه است که باعث می‌شود تلویزیون پر مخاطب شود و در حقیقت رسانه‌ملی مسیری را طی کند که همه افکار عمومی را دربر بگیرد. این شاخص بودن، جام‌چم را به عنوان یک برنامه تاثیرگذار در میان دیگر برنامه‌های صداوسیما معرفی کرده است و خدا را شکر توانسته مخاطبان زیادی را جذب خود کند.



پرداخته و برای روشنگری مسائل فرهنگی و رسانه‌ای با کمک مدیران دلسوز فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، توطئه‌های فرهنگی‌رسانه‌ای را که در لایه‌های درونی برخی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور نفوذ و لانه‌گزینی کرده، افشا کند و مردم را از آنها آگاه سازد.

برنامه تاثیرگذار

به هر حال برنامه جام‌چم همچنان به عنوان یک برنامه شاخص رسانه‌ملی در حوزه فرهنگ و رسانه محسوب می‌شود که با فضایی چالشی و گفت‌وگو محور، سعی دارد ساختارشکنی کرده و ضمن بررسی معضلات و مشکلات سر

رسانه‌ای کشور است. بنابراین به نوعی می‌توان گفت که این برنامه در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و دستاوردهای نظام حرکت می‌کند و می‌خواهد با نقد برخی از موضوعات مغفول‌مانده فرهنگی هنری و رسانه‌ای، تلنگری به مدیران ارشد فرهنگی و رسانه‌ای بزند و از طرفی هم جام‌چم به عنوان یک بازوی رسانه‌ای مطالبه‌گر، با نگاهی دلسوزانه به تلاش‌های دوستداران نظام و همه مسئولان و مدیرانی که برای سریلندی و افتخار ایران اسلامی تلاش می‌کنند، سعی دارد که ضمن قدردانی از زحمات و تلاش‌های آنها به افشای حرکات مذبوحانه رسانه‌های معاند خارج‌نشین و برخی رسانه‌های زرد که متأسفانه در مسیر آنها حرکت می‌کنند،

جام‌چم فراتر از جام‌چم

و موضوعات حاشیه‌ای و درون‌لایه‌ای رسانه‌ها و فرهنگ را به چالش کشیده، به بررسی آنها بپردازد.

تلنگری به مدیران فرهنگی و رسانه‌ای

جام‌چم اگرچه یک برنامه گفت‌وگو محور است که به‌صورت میزگرد به مخاطبان ارائه می‌شود اما تلاش این برنامه در راستای شفاف‌سازی موضوعات فرهنگی و رسانه‌ای کشور است و البته که این برنامه سعی دارد با دعوت از کارشناسان و چهره‌هایی با هر سلیقه و ایده سیاسی و اجتماعی به‌طور فراگیر به مسائل و معضلات پیش روی فرهنگی در جامعه ما بیشتر بپردازد و در همین راستا هم ضمن نقد و بررسی رسانه‌های زرد و تبیین افکار عمومی تلاش می‌کند که از بعضی موضوعات مغفول‌مانده پرده‌برداری کند و سیاست‌های غلط برخی از رسانه‌ها را آشکار سازد، اما یقیناً در این محفل تحلیلی هم مخاطبان شاهد بحث بسیار داغ میان مهمانان و کارشناسان حاضر در این برنامه هستند و می‌توان ادعان کرد که برنامه جام‌چم برای روشن شدن افکار عمومی و تبیین بسیاری از مسائل و معضلات اجتماعی فرهنگی و همچنین رسانه‌ای، وارد این کارزار شده است و هدفش روشنگری مسائل فرهنگی و رسانه‌ای و نیز توجه به مطالبات، خواست‌ها و انتظارات مردم از مسئولان فرهنگی‌هنری و

پرداختن به موضوع فرهنگ و رسانه و مطالباتی که مردم در این بخش از دولت و حاکمیت دارند، همواره مورد توجه بوده است و سازمان صداوسیما هم طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی تلاش کرده که به نوعی در این‌خصوص با تولید و پخش برنامه‌هایی تحلیلی به‌صورت

تخصصی به مسائل فرهنگ، هنر و رسانه بپردازد و با دعوت از کارشناسان خبره و اهالی رسانه به‌صورت موشکافانه نقص‌ها و علل‌های موجود و نیز کمبودها و ناکامی‌هایی که در این بخش هست را مورد بررسی قرار دهد در همین ارتباط شاهد پخش برنامه‌های گفت‌وگو محور از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما بودیم اما در دوره جدید تحول در سازمان صداوسیما به‌ویژه در سه سال و نیم اخیر برنامه‌های گفت‌وگو محور چالشی با موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روی آنتن رسانه‌ملی رفته است یکی از این برنامه‌ها «جام‌چم» است که پخش آن از سال گذشته با موضوع بررسی فرهنگ و رسانه از شبکه یک سیما آغاز شد و تنها برنامه‌ای است که به صورت تخصصی و شفاف به مسائل و موضوعات روز فرهنگی، هنری و رسانه‌ای می‌پردازد و با نگاهی نقادانه سعی دارد که مسائل



رسول شهابی روزنده گروه رسانه

دوبله

«معیارهای انسانی» به نمایش می‌رسد



آن فرشید فرجی است. شیدا آذیر، بابک اشکیوس، دانیال الیاسی، علیرضا باشکندی، فاطمه برزویی، محمد بهاریان، امیر حکیمی، شیرین روستایی، منوچهر زنده‌دل، حسین سرآبادانی، داوود شعبانی‌نصر، زهره شکوفنده، خسرو شمشیرگران، فاطمه صبا، بهروز علی‌محمدی، میلاد فتوحی، نسرین کوچک‌خانی، کسری‌کیانی، مریم‌مهمان‌دوست، صنم‌نکواقبال، آرتیاریا احمدی، رزینا یاراحمدی و مرضیه صفی‌خانی صدایپیشه‌های این اثر بوده‌اند. این فیلم درباره یک خانواده چهار نفره است که به خانه‌ای در حومه شهر منتقل می‌شوند. به تدریج، افراد خانواده احساس می‌کنند که خانه‌شان مورد تعرض افراد ناشناس قرار می‌گیرد و چون والدین نمی‌توانند عامل اصلی این تعرضات را بیابند، فضایی از عدم امنیت در روابط افراد خانواده نیز به وجود می‌آید.

قاب

جشنواره رسانه‌ای «صبح» به ایستگاه سوم رسید

جشنواره رسانه‌ای «صبح» به ایستگاه سوم خود رسیده و آن‌طور که در خبرها عنوان شده، آخرین مهلت ثبت‌نام و ارسال اثر ۱۷ بهمن ماه ۱۴۰۳ خواهد بود. احسان کاوه، دبیران جشنواره پیش از این گفته بود: شناساندن شمار زیادی از برنامه‌سازان بین‌المللی و ایجاد تعامل سازنده بین‌الملل از سال ۲۰۲۳ از اهداف جشنواره مذکور بوده است. درنمایه جشنواره صبح را رسانه و نظم نوین

جهانی‌مبتنی بر ارزشمندی هویت‌های محلی و منطقه‌ای، معنویت‌گرایی، اصالت خانواده، گفتمان مقاومت و استکبارستیزی شکل می‌دهد.

کودک را سکن کنید